

حقوق مخالفان در زمان حکومت پیامبر اسلام ﷺ

محمد مصطفائی*

ملیحه السادات اسماعیلی فرد**

خلیل الله احمدوند***

چکیده

نوشتار پیش رو که در قالب یک مقاله تدوین شده است به دنبال پاسخی روشن برای این سؤال است که آیا در نظام اسلامی مخالفان دارای حقوقی هستند یا خیر؟ اگر حقوقی برای آنها مفروض است، حقوق قابل پذیرش برای آنها به چه میزان است؟ از جمله گروه‌های مخالفی که به مخالفت با دولت نوپای مدینه اقدام کردند، سران مشرک قریش، یهودیان، منافقان و افراد ناآگاه بودند. مخالفان در حکومت پیامبر دارای حقوقی مانند: امنیت، آزادی بیان، حق آزادی عقیده، توبه و بازگشت، مصالحه، برخورداری از عدالت و قضاوت عادلانه، هدایت، کرامت انسانی و حق تحزب می‌باشند. البته برای تحقق این حقوق شرایط و حدودی وجود دارد که عمده‌ترین آنها: عدم توطئه، عدم برهم زدن وحدت سیاسی، عدم ترغیب مسلمانان برای شرکت نکردن در جهاد و مقابله با دشمن می‌باشد.

واژگان کلیدی

پیامبر، حق، مخالف، حکومت، قانون.

طرح مسئله

دوران حکومت اسلامی که با پیروزی انقلاب شکوهمند در ایران از سال ۱۳۵۷ با زعامت فقیه و

hekmat_senah@yahoo.com

tasnim_tasnim58@yahoo.com

ahmadvand@razi.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۷

*. دانشجوی دکتری کلام دانشگاه تهران.

** کارشناسی‌ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی.

*** استادیار دانشگاه رازی.

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۲۶

سیاست‌مداری از نوادگان معصومین پس از قرون بسیاری از آخرین دوره حکومت اسلامی یعنی زمان امام حسن مجتبی علیه السلام شکل گرفت، سیر تکامل اجتماعی بشر را وارد مرحله جدیدی نمود. این حکومت الگویی جدید را در جهان مطرح نمود که محتوای آن اسلامی و مبتنی بر احکام شریعت مبین پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ساختار آن جمهوری و مبتنی بر مردم‌سالاری است.

حکومت اسلامی برپایه های فکری عمیقی استوار بوده که لازمه آن تفقه کامل در کلیه شئون و ابعاد دین اسلام است. البته فقها و زعمای الهی تشیع با توجه به نبود حکومت یا دولت اسلامی و عدم نیاز به استخراج احکام حکومتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی چندان در این مسیر گام ننهاده اند بلکه هم خود را معطوف به استخراج احکام و قوانین شریعت در بعد مسائل عبادی قرار دادند و به صورت جامع و کامل سایر ابعاد مهجور باقی ماند.

با شکل‌گیری حکومتی از نوع اسلام به یکباره نیاز به شناخت ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... احساس شد و روندی برای استخراج احکام آنها از قرآن و سنت به شکل محسوس و یا نامحسوس آغاز شد. این روند هنوز در ابتدای مسیر خود قرار دارد و تا رسیدن به نقطه ایده‌آل خود فاصله بسیار دارد. به هر میزان که شناخت ابعاد مزبور فزونی یابد میزان دخالت سلیقه‌ها و آرای شخصی در نوع حکومت‌داری و تعامل با رویدادها و جریانات مختلف آن کاهش خواهد یافت. از جمله مسائل و رویدادهایی که هر حکومت با آن خواه یا ناخواه مواجه خواهد شد وجود مخالفان و جبهه‌گیری آنها در مقابل حکومت است. از آنجایی که اسلام برای همه شئون برنامه کلی دارد نوع برخورد با جریانات مخالف را نیز مشخص کرده است. معرفت به احکام شریعت در این زمینه ما را از افتادن به دامن اشتباهات بری خواهد کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران جریانات مخالف زیادی قد علم کرده که به انحای مختلف به مخالفت با حاکمیت پرداخته و مسیر انقلاب را با دشواری‌هایی مواجه نمودند. نوع برخورد با آنها در رده‌های میانی حکومت همواره در حاله‌ای از سلیقه و امیال شخصی بسر برده، گاه با سهل‌انگاری امنیت ملی را به مخاطره انداختند و گاه پاره‌ای از حقوق مخالفان پایمال گردید. با گذشت بیش از سه دهه از روند انقلاب اسلامی هنوز ما شاهد اختلاف نظرها در نوع برخورد با مخالفان حکومتی هستیم و این امر ضرورت تتبع، تفقه و نیل به احکام اصیل اسلامی را از متون دست اول بیش از پیش برای ما آشکار کرده است. بررسی سیره و روش حکومت داری پیامبر اسلام که نمونه عینی یک جامعه اسلامی است از مهم‌ترین مواد استخراج احکام سیاسی اسلام و از جمله حقوق مخالفان در نظام اسلامی و چگونگی تحقق آن است.

در مورد نگرش حکومت‌ها در برخورد با مخالفان سه دیدگاه وجود دارد:

۱. عده‌ای معتقدند مخالفان حکومت اسلامی از هیچ گونه حقوقی نباید برخوردار باشند؛ زیرا اصل حاکمیت را قبول ندارند و مخالفت با حکومت جرم و دارای مجازات است.
 ۲. عده‌ای دیگر معتقدند کلیه مخالفان در سیستم حکومت اسلامی باید کاملاً آزاد و از همه حقوق شهروندی برخوردار باشند.
 ۳. و سرانجام عده‌ای بر این باورند حقوق مخالفان در نظام اسلامی بدون هیچ قید و شرط نیست بلکه آن را مشروط می‌دانند.
- حال سؤال این است که آیا حقیقتاً در نظام اسلامی مخالفان دارای حقوق‌اند؟ اگر آری، گستره، حقوق آنان تا کجاست؟ و شرایط تحقق آن حقوق چیست؟ بهترین الگو و مرجع در پاسخ به این سؤالات سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌باشد که ما را برای نیل به هدف یاری می‌رساند.

مخالفان در حکومت پیامبر اسلام ﷺ

اولین گروهی که به مخالفت و دشمنی با دولت نوپای مدینه اقدام کرد، سران مشرک قریش بودند که در مکه و مدینه به مخالفت جدی و شدید با پیامبر پرداختند. دومین گروه از مخالفان دولت نبوی یهودیانی بودند که با حضور پیامبر و یاران وی در یثرب تنها راه پیش روی خود را پذیرش زندگی مسالمت‌آمیز در کنار مسلمانان دانسته و لذا به انتقاد و مخالفت و دشمنی با دولت نبوی پرداختند. گروه سوم از مخالفان دولت پیامبر، منافقانی بودند که با حضور پیامبر در مدینه آرزوهای خود را برای قدرت‌طلبی بر باد رفته می‌دیدند. گروه چهارم کسانی بودند که می‌توان از آنها به‌عنوان مستضعفان و افراد نا آگاه یاد کرد. گروه پنجم از مخالفان و منتقدان دولت نبوی را برخی از حاکمان منطقه و رؤسای قبایل تشکیل می‌دادند. این گروه از مخالفان پس از علنی شدن دعوت علنی پیامبر احساس خطر کرده، به مخالفت و دشمنی با دولت نبوی پرداختند.

شیوه پیامبر در رفتار با مخالفان

پیامبر اعظم ﷺ در برخورد با این مخالفان هرگز از اصل هدایت‌گری، انصاف، اخلاص، دلسوزی و رحمت عدول نکرد و مثل پادشاهان به عناد و انتقام‌جویی نپرداختن، به طوری که پس از فتح مکه سرسخت‌ترین دشمنان خود را بخشید. مادامی که مخالفان امنیت جانی و مالی مسلمانان را به خطر نمی‌انداختند، برخورد تهاجمی با ایشان نمی‌شد. هم‌چنین به معاهده همزیستی مسالمت‌آمیز یهود با ایشان تا وقتی نقض پیمان نکرده بودند، استوار ماند. و تا زمانی که منافقان نیز هویت خود را برملا

۱. ابوزهره، خاتم پیامبران ﷺ، ص ۲۶۵.

نکرده بودند، پیامبر اعظم ﷺ به تعبیر قرآن کریم اذن خیر برای آنها بود، حرف آنان را می شنید و آبرویشان را حفظ می کرد. در برابر جاهلان و نادانان هرگز از مشی موعظه و مدارا خارج نشد. برای مخالفان برون مرزی نیز غیر از بشارت، دوستی و هدایت چیزی نخواست. بنابراین پیامبر با همه مخالفان و منتقدان از روی رحمت و انصاف و مدارا رفتار می کرد؛ اما اگر مخالفان، امنیت فکری و عینی مسلمانان را به خطر می انداختند، با رعایت تمام اصول اخلاقی و انسانی در برابر آنان ایستادگی می کرد. برخورد حذفی در دولت نبوی آخرین راهکار آن هم در چارچوب دفع تهاجم مخالفان بود.^۱ این تیمیه می گوید: «پیغمبر ﷺ همچنان اذیت کفار و مخالفان را تحمل می کرد تا خداوند در شب دوازدهم صفر سال هجرت اذن قتال داد. نسائی با اسناد صحیح از زهری روایت می کند نخستین آیه قتال این است: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ يَأْتِيهِمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلِيُّ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ.»^۲ در تفسیر ابوحیان آمده که در این آیه به قتال اذن داده شده که به قرینه حذف شده است. اصحاب، کتک خورده و سرشکسته نزد پیغمبر ﷺ می آمدند و حضرت امر به صبر می فرمود که مأمور به قتال نبود، تا اینکه هجرت کرد و پس از هفتاد و چند آیه که در همه آن از درگیری با مخالفان منع شده بود اذن قتال صادر شد. بعضی گفته اند: خداوند جهاد را بهنگام تشریح فرمود؛ زیرا مسلمانان در مکه در اقلیت بودند و با اذن قتال کار سخت می شد.

مهم تر آن که پیغمبر ﷺ در همه احوال جنگ و صلح، با سران مشرکان و کفار به مهربانی و نرمی سخن می گفت و هرگاه نزد او می آمدند، حرمت و اعتبار می نهاد تا با اسلام انس یابند و اخلاق آن حضرت ﷺ را بشناسند. از احمد بن حنبل پرسیدند: آیا می توان ذمی را با کتیه خطاب کرد؟ وی در پاسخ گفت: پیغمبر ﷺ اسقف نجران را «ابا حسان» خطاب نمود^۳ در کتب تاریخ^۴ آمده است که: پیغمبر صحابه را به همین شیوه (یعنی احترام در برخورد) امر می کرد؛ و می فرمود: «إِذَا آتَاكُمْ كَرِيمٌ قَوْمِ فَآكِرْمُوهُ؛ هرگاه بزرگ قومی نزد شما آمد، اکرامش کنید.» شاید انس انسان کریم به تکریم شدن، باعث شود رفتار ناکریمانه را توهین تلقی نموده، از اسلام دور شود. یا در دل او کینه پدید آید و به خشونت منجر شود.

منشور حکومتی پیامبر اسلام ﷺ

پیامبر خدا ﷺ پس از هجرت به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی عهدنامه ای بین مسلمانان و یهودیان مدینه نوشت، دین و دارایی آنان را به رسمیت شناخت و از آنها تعهد گرفت که احدی را بر

۱. ذکاوتی قراگزلو، نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، ص ۱۸۴.

۲. حج (۲۲): ۳۹.

۳. ابن قیم جوزیه، بدائع الفوائد، ص ۱۸۵.

۴. مناوی، الدرر اللوامع، ص ۳۷.

ضد پیغمبر ﷺ یاری نکنند و اگر مشکلی پیش آید، به مسلمانان در حل آن کمک کنند. چنان که مسلمانان متقابلاً همین تعهدات را برعهده دارند؛ این سند به مثابه یک نظام نامه (منشور) است که اصول روابط خارجی و داخلی دولت جدید را تبیین می‌کند و از مهم‌ترین سندهای حقوقی است که مناسب است دانشمندان علم حقوق به بررسی آن پردازند. این سند^۱ دارای ۴۸ بند می‌باشد که در اینجا به مهم‌ترین حقوق مخالفان و حد مخالفت آنان اشاره می‌شود.

حقوق مخالفان در منشور حکومتی پیامبر ﷺ

۱. حق امنیت

پس از هجرت رسول خدا ﷺ از مکه به مدینه، مشرکان و یهودیان این شهر، خود را صلح دوست وانمود کردند. پیامبر نیز از این امر استقبال فرمود و با آنان معاهده‌ای را به امضا رساند که آزادی عقیده و امنیت همگان را تأمین می‌کرد.^۲ البته رفتار کفار مدینه با پیامبر سه گونه بود: گروهی با پیامبر وارد مصالحه شدند و پیمان بستند که با او وارد جنگ نشوند و علیه او با یکدیگر همدست نگردند و نیز علیه او با دشمنانش رابطه دوستی برقرار نکنند. آنان بر کفر خود باقی ماندند و در عین حال از امنیت جانی و مالی برخوردار بودند. گروهی از در جنگ با او درآمدند و گروه سوم نه با او صلح کردند و نه جنگ! و در انتظار نشستند تا ببینند فرجام کار او و یارانش به کجا خواهد کشید.^۳

شایسته ذکر است حتی کفاری که در ابتدا با سپاه اسلام جنگیده بودند و تنها با ابراز اسلام آوردن خود می‌توانستند از امنیت جانی برخوردار شوند اگرچه اسلام آوردن آنان قلبی نبود که فتح مکه بهترین گواه این مدعاست. نمونه دیگر آن در سریه حضرت علی رضی الله عنه در یمن بود.^۴

در روایات نبوی نیز بر حفظ امنیت و عدم ستم به مخالفان و حتی دشمنان سفارش شده است. هشت خصلت مؤمن از نگاه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چنین است: وقار در ناملایمات، شکیبایی در بلا، شکر در هنگام گشایش، قناعت به آنچه خداوند متعال به او داده است، ستم نکردن به دشمنان، عدم مزاحمت برای دوستان، در رنج بودن تن و در آسایش بودن مردم از او.^۵

۱. ابوزهره، خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله، ص ۲۶۸؛ سپهری، سیرت جاودانه، ص ۵۴۵.

۲. برای مطالعه بیشتر رک: ابن هشام، السیره النبویه، ص ۱۵۰ - ۱۴۷؛ الدمشقی، البدایة و النهایة، ج ۳، ص ۲۲۶ -

۲۲۴، ابن حنبل، مسند، ص ۲۷۱؛ ابویعلی، مسند ابویعلی، ص ۳۶۷ - ۳۶۶؛ سپهری، سیرت جاودانه، ص ۵۵۲.

۳. خطاب، شیوه فرماندهی پیامبر، ص ۳۹۳.

۴. ابوزهره، خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله، ص ۲۶۶.

۵. نمونه دیگر آن داستان بخشش عبدالله ابی توسط پیامبر بعد از توهین و گستاخی وی بوده است.

۶. یَبْغِي أَنْ يَكُونَ لِلْمُؤْمِنِ ثَمَانِيَةَ خِصَالٍ: وَقَارٌ عِنْدَ الْهَزَائِرِ وَ صَبْرٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَ شُكْرٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَ قَنُوعٌ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ

۲. حق آزادی عقیده

پیامبر در یثرب تنها به استوار ساختن پیوند همکاری و برادری میان اوس و خزرج و میان انصار و مهاجران پرداخت، بلکه برای پدید آوردن وحدت میان همه ساکنان یثرب، خواه مسلمان خواه مشرک و یهودیان نیز تلاش فراوانی به عمل آورد. اگر این طرح که پیامبر نهایت مهارت و توانائی و زیرکی را در اجرای آن به کار برد نبود، و به وسیله آن میان ساکنان مدینه با توجه به دشمنی و خصومت دیرینه‌ای که میانشان بود، وحدت پدید نمی‌آورد در مدینه نیز پیامبر در نشر دعوت خویش دچار مشکلاتی می‌گشت که از آنچه در طی سیزده سال در مکه به آن دچار گشته بود، کمتر نبود. استاد هیکل درباره این شیوه رفتار که پیامبر در مورد ساکنان مدینه با وجود گرایش‌ها و اعتقادات گوناگونشان در پیش گرفت می‌گوید: کار سیاسی بزرگی که نشان دهنده عظمت و توانایی رهبری پیامبر بود، ایجاد وحدت در مدینه و برپا ساختن نظام سیاسی آن با هم‌بستگی با یهود براساس آزادی و پیمان مشترک بود، یهودیان مدینه به‌خوبی از پیامبر استقبال کردند، بدان امید که حقوق ایشان را در نظر بگیرد. پیامبر نیز همان‌گونه خوشامدگویی ایشان را پاسخ گفت و به استوار ساختن پیوندش با ایشان پرداخت با سرانشان به گفتگو نشست و بزرگان آنان به او نزدیک گشتند.

روش آن حضرت و تواضع عظیم و توجه و وفاداری و نیکی جوشانش نسبت به مردم تهیدست و خاک نشین و محروم، و نیز نفوذ نیرومندش بر اهل یثرب همگی کار پیامبر و یهود را به بستن پیمان دوستی و همبستگی و در نظر گرفتن آزادی عقیده کشاند. پیمانی که از نوع پیوندهای شگفت‌انگیز طول تاریخ است. هیچ پیامبر و رسولی پیش از محمد ﷺ چنین کاری نکرده بود.^۱ در پیمانی نیز که پیامبر با نصارای نجران منعقد نمود بحث آزاد عقیده آمده است: «هر یهودی یا نصرانی که به دلخواه خود مسلمان شود، در حقوق و وظایف از شمار مؤمنان است و هر کس بر نصرانیت یا یهودیت خود باقی بماند، دین وی تغییر داده نمی‌شود؛ البته مرد و زن بالغ، چه آزاد چه برده، باید یک دینار یا معادل آن پارچه بدهد و هر کس این را داد، در ذمه خدا و ذمه پیغمبر است و هر کس امتناع نمود، دشمن خدا و پیغمبر و همه مؤمنان است.»^۲

جلوه دیگر از آزادی عقیده در سیره پیامبر مربوط به جنگ تبوک است. هنگامی که مسلمانان به تبوک رسیدند دریافتند که رومیان از آنجا به داخل سرزمین خود عقب‌نشینی کرده‌اند. در آنجا توقف کردند تا با هر که بخواهد در برابرشان ایستادگی کند مبارزه کنند. یوحنا پسر رؤبه حاکم ایله، از

عَزَّ وَجَلَّ، لَا يَظْلُمُ الْأَعْدَاءَ وَ لَا يَتَحَامَلُ عَلَي الْأَصْدِقَاءِ بَدَنَهُ فِي تَعَبٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ. (پاینده، پیام رسول ترجمه نهج‌الفصاحه، ص ۶۱۴)

۱. قسام، سیره المصطفی، ص ۳۲۴؛ حسینی، باده ناب، ص ۲۳۲.

۲. طبری، تاریخ طبری، ص ۱۲۹؛ ابن‌خلدون، تاریخ ابن‌خلدون، ج ۲، ص ۴۷۴.

امرای ساکن در آن منطقه بود. پیامبر نامه‌ای به وی نگاشته او را به اسلام آوردن و یا پرداخت جزیه دعوت کرد.

یوحنا که صلیبی طلایی بر سینه داشت به نزد پیامبر شرفیاب شد و هدایایی به آن حضرت تقدیم نمود و فرمانبرداری خویش را اعلان نموده با پرداخت سیصد دینار در هر سال به‌عنوان جزیه با آن حضرت مصالحه نمود. همچنان پیامبر با اهل جرباء و اذرح نیز بر جزیه مصالحه نمود و پیمانی میان خود و ایشان نگاشت که شروط صلح در آن مندرج بود، و حقوق مسلمانان را در دریافت جزیه و رفت و آمد توأم با امنیت جانی و مالی در آن مناطق تضمین می‌کرد. و از سوی دیگر برای افراد آن مناطق نیز آزادی عقیده و زندگی مسالمت‌آمیز با همسایگان مسلمانان را تضمین می‌کرد.^۱

۳. آزادی انتقاد

یکی دیگر از حقوقی که همواره پیامبر آن را رعایت می‌نمود آزادی انتقاد بود. حکومت اسلامی مدینه نه حکومت فرد بر مردم بود و نه حکومت مردم بر مردم بلکه حکومت الله بر مردم بود. حکومت اسلامی رسول خدا ﷺ کامل‌ترین، مترقی‌ترین و دادگسترترین نوع حکومت در جهان هستی است، زیرا که این حکومت مشروعیت خود را با نص و انتصاب از جانب خداوند گرفته و مقبولیتش را با بیعت و پذیرش مردم به دست آورده بود، یک روی آن خدا و روی دیگر مردم بودند. از این جهت حقوق تمامی گروه‌ها مراعات می‌شد و همه اقلیت‌ها و قبیله‌ها از آزادی و حقوق کامل برخوردار بودند. مخالفان حکومت اسلامی و حتی محاربان دیدگاه مخالف و انتقادات تند خود را صریح و بدون هیچ‌گونه ترسی بیان می‌کردند. این آزادی تا آنجا پیش رفت که عبد الله بن ابی رئیس بزرگ‌ترین گروه مخالف حکومت اسلامی رسول خدا که همواره کارشکنی و مخالفت می‌کرد و در جنگ بنی‌مصطلق آتش فتنه افک را روشن کرد و سران صحابه اعدام صحرائی او را خواستار شدند، مورد عفو و بخشش آن حضرت قرار گرفت و شگفتا که بعدها بر جنازه او نماز خواند!^۲

۴. امکان توبه و بازگشت

در حکومت پیامبر مکرم اسلام ﷺ باب توبه و بازگشت بر روی همه مخالفان باز بود. نمونه‌های فراوانی از پذیرش عذر و توبه افراد خاطی و مخالف در سیره نبوی وجود دارد. و می‌توان به وقایعی همچون توبه مسلمانان خاطی در جنگ تبوک،^۳ توبه ابولبابه که آیه ۱۰۲

۱. همان، ص ۴۶۸؛ ترقی جاه، ترجمه سیره المصطفی، ص ۳۳۸.

۲. میرشریفی، پیام‌آوران رحمت، ص ۲۴۱.

۳. ابن خلدون، تاریخ ابن‌خلدون، ص ۵۱۵.

سوره توبه در موردش نازل شد،^۱ تسلیم شدن عمروعاص و خالد بن ولید،^۲ توبه حاطب بن ابی بلتعنه که سه آیه نخست سوره ممتحنه در مورد او نازل گردید،^۳ و اسلام آوردن اهالی مکه پس از فتح این شهر اشاره نمود.^۴

۵. امکان مصالحه

یکی دیگر از مواردی که پیامبر در حق مخالفان خود روا می‌داشتند مصالحه بود. در روش حکومت‌داری ایشان مثال‌های فراوانی وجود دارد که در مقابل مخالفان مصالحه نموده‌اند. او همه تلاش خود را برای اهداف صلح‌آمیز به کار می‌بست. هرچند که این امر در مواردی چون غزوه حدیبیه، موجب ناخشنودی یارانش می‌گشت. در دوران صلح حدیبیه، اسلام در میان مردم چنان گسترش یافت که در تمام دوران جنگ گسترش نیافته بود. تن دادن به صلح از نشانه‌های دینداری است: «اگر به صلح مایل شدند تو نیز از در صلح وارد شو.»^۵ بنابراین اگر دیده می‌شود که رسول خدا ﷺ همه پیشنهادهای صلح‌جویانه دشمن را در هر زمان و مکانی می‌پذیرد و بلکه به این کار تشویق نیز می‌کند، شگفت آور نیست. در اسلام، صلح اصلی ثابت و جنگ یک استثناست. اما باید دانست که اسلام خواستار صلح است و نه تسلیم برابر کسانی که از در صلح درآیند. در متن پیمانی که میان پیامبر و یهود مدینه بسته شد یکی از مفادی که بدان اشاره شده است بحث مصالحه بوده است: «... اگر مسلمانان یهودیان را به صلح (با کسی که مسلمانان با او صلح نموده و همبستگی یافته‌اند) دعوت کردند باید بپذیرند و با وی صلح کنند و پیوند یابند. و اگر یهودیان مسلمانان را به چنین کاری دعوت کنند، مسلمانان باید بپذیرند مگر در مورد کسانی که دشمن اسلام و نشر آن باشند.»^۶ از جمله نمونه‌های دیگر حق مصالحه مخالفین قضایایی همچون مباحله با هیئت نصارای نجران که به مصالحه ختم شد و مصالحه با یهودیان خیبر پس از جنگ خیبر بوده است.^۷

۶. حق برخورداری از عدالت و قضاوت عادلانه

از جمله حقوق مسلم مخالفان در حکومت پیامبر اسلام ﷺ برخورداری از حق عدالت و قضاوت

۱. همان، ص ۲۳۶.

۲. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۶۵۷.

۳. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۹۸.

۴. همان، ص ۳۹۸ به بعد؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۴۲ به بعد.

۵. وَ إِن جَنَّوْا لِّلْسَلْمِ فَاجْتَحْ لَهَا. (انفال (۸): ۶۱)

۶. قسام، سیره المصطفی، ص ۳۲۹.

۷. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۸۲؛ واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۶۷۰.

عادلانه بوده است. در پیمان پیامبر با یهودیان به روشنی به این موضوع اشاره شده است. در آنجا چنین آمده است هر کس از یهود که به این پیمان بپیوندد از یاری و برابری برخوردار خواهد شد بی آنکه مورد ستم قرار گیرد و یا کسی بر علیه وی یاری شود. و از خونخواهی کسی که خونی ریخته چشم‌پوشی نمی‌شود (خون هر مجروحی از اهل این پیمان محترم است) و هر کس خونی بریزد عقوبتش دامن‌گیر خود و خانواده‌اش خواهد شد، مگر آنکه ستم دیده باشد. روابط هم‌پیمانان بر پایه خیرخواهی و دوستی و نیکی است نه بدکاری، و هیچ‌کس به هم‌پیمان خود بدی نمی‌کند و اگر چنین کرد باید به ستم‌دیده یاری کرد. داخل یثرب برای امضاکنندگان این پیمان منطقه حرام است. همسایه هر کس مانند خود اوست و نباید گزند و بدی ببیند.^۱

۷. امکان و حق هدایت

یکی از حقوقی که پیامبر برای همه مخالفان خود قایل بوده است، حق هدایت و دعوت به حقیقت بوده است. سرتاسر سیره نبوی مملو از این مطلب است. شیوه پیامبر در مقابله با مشرکان، یهودیان، نصاری و ... ابتدا ارشاد و نصیحت بوده است. در تمامی جنگ‌ها ابتدا دعوت به پذیرش اسلام، نصیحت و ارشاد صورت می‌گرفت تا آنکه زمینه‌گرایش به اسلام را داشتند جذب شوند و پس از اتمام حجت به نبرد می‌پرداختند این امر یعنی قایل بودن حق هدایت قبل از برخورد سخت با مخالفان حکومت.

۸. حق کرامت انسانی

حفظ کرامت انسانی برای همه افراد جامعه، اصلی اساسی در خلق و سیره و نبوی بوده است. همه انسان‌ها از آن جهت که مخلوق خدا هستند جدای از هرگونه فکر و عقیده، نزد پیامبر محترم و از حق کرامت برخوردار بوده‌اند. کلیه حقوقی که در پیش‌گذشت دلالت بر این حق دارد. در واقع شالوده حقوق مذکور، حق کرامت انسانی می‌باشد. برخورد با مخالفان و مجازات‌های مختص و متناسب آن ناقض این حق نیست؛ زیرا این امور به دلیل افعال مخالفان بوده است و نه شخصیت آنان.

شروط تحقق حقوق مخالفان

پیامبر اسلام چنان‌که برای مخالفان حکومت، حقوقی قائل بودند، در مقابل حدود و قیودی برای فعالیت‌های آنها منظور می‌کردند. به عبارت دیگر مخالفان از آزادی مطلق برخوردار نبودند و آنها

۱. ابن‌هشام، سیره النبویه، ج ۲، ص ۱۵۰ - ۱۴۷؛ الدمشقی، البدایة و النهایه، ج ۳، ص ۲۲۶ - ۲۲۴؛ ابن‌حنبل، مسند، ج ۱، ص ۲۷۱؛ ابویعلی، مسند ابویعلی، ج ۴، ص ۳۶۷ - ۳۶۶؛ فسام، سیره المصطفی، ص ۳۲۸.

نمی‌توانستند آزادانه هر کار دلخواه خود را انجام دهند. از آنجایی که مشخص شدن حدود، حقوق را شفاف‌تر خواهد کرد به پاره‌ای از حدود و قیود مخالفان در حکومت نبوی اشاره می‌شود:

۱. عدم توطئه

یکی از محدودیت‌های کلی همه مخالفان عدم توطئه‌چینی بوده است. هر زمان که حرکت توطئه‌آمیز مخالفان شکل می‌گرفت پیامبر به صورت قاطع با آن برخورد می‌نمود. معمولاً اخبار در محیط‌های کوچک برق آسا منتشر می‌شود. از این رو بیشتر توطئه‌ها (تجمعات ضد اسلامی در هر منطقه‌ای که بود) فوراً از طریق رهگذران بی‌طرف و یا دوستان بیدار به مرکز اسلام می‌رسید. علاوه بر این، شخص پیامبر در این مسئله فوق‌العاده حساس و دقیق بود. از این رو، امکان ظهور و بروز توطئه‌ها را نمی‌داد. همین که گزارش می‌رسید که قبیله‌ای در صدد گردآوری سلاح و سرباز است، بی‌درنگ برای خنثی نمودن هر نوع جنب و جوش دشمن، نیرو اعزام می‌کرد و یا شخصاً برق‌آسا با نیروی مناسبی منطقه دشمن را محاصره و تمام نقشه‌های دشمن را خنثی می‌کرد.^۱ برخی از غزوه‌ها و اقداماتی که در برابر توطئه‌ها از ناحیه پیامبر صورت گرفته عبارت است از: غزوه الکدر، غزوه السویق، غزوه ذی‌الامر،^۲ ویران کردن مسجد ضرار،^۳ سوزاندن خانه منافقین توطئه‌گر^۴ و اخراج منافقین از مسجد و ...

۲. عدم برهم زدن وحدت سیاسی

یکی از مواردی که در حکومت نبوی با آن برخورد صورت می‌گرفت اعمالی بود که برهم‌زننده وحدت سیاسی جامعه قلمداد می‌شد. این رخداد در تاریخ اسلام می‌توان مبین نکته پیشگفته باشد: زن محجّب عربی در بازار «قینقاع» جنب دکان زرگری یهودی، مشغول فروش کالاهای خود بود ولی یهودان «قینقاع» اصرار داشتند که پرده از رخسارش بردارند. مغازه دار یهودی گستاخانه دامن لباس زن را به پشت وی دوخت و پس از لحظاتی که آن زن برخاست، قسمتی از بدنش نمایان شد و جوانان (بنی‌قینقاع) زن را مسخره کردند. مرد مسلمانی با دیدن این صحنه فوراً دست به سلاح شد و زرگر یهودی را کشت. در واکنش به این اقدام یهودیان بازار، به‌طور دسته جمعی خون مسلمانی را که برای حفظ ناموس یک زن دست به سلاح زده بود ریختند. انتشار خبر کشته شدن یک مسلمان آن هم به‌طور فجیع و رقت‌بار، جام صبر مسلمانان را لبریز کرد و آنان را مصمم ساخت که

۱. سبحانی، فروغ‌ابدیت، ص ۵۱۶.

۲. الهاشمی البصری، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۰؛ واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۸۲ - ۱۸۱.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۰۴۹.

۴. ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۵۱۷؛ ذکاوتی قراقرلو، نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، ص ۱۵۰.

کار را یکسره و لانه فساد را ویران کنند. یهودیان بنی قینقاع احساس کردند که کار به جای باریکی کشیده است. و مصلحت دیدند که هرچه زودتر به خانه‌های خود که در میان قلعه‌های بلند و محکمی بود، پناهنده شوند تحصن در قلعه، نشانه برقراری جنگ و عداوت بود. پیامبر به مسلمانان دستور داد تا دژ دشمن را محاصره کرده و از ورود تدارکات جلوگیری کنند و تماس با افراد ممنوع اعلام گردید. یهودیان قلعه، بر اثر محاصره اقتصادی به زانو درآمدند و اعلام کردند که پیامبر هر تصمیمی بگیرد در حق آنها نافذ باشد.

تصمیم پیامبر گرامی این بود که کارشکنان و مخالفان وحدت سیاسی در مدینه را سخت تنبیه کند، ولی بر اثر اصرار «عبد الله ابی» - که از منافقان مدینه و متظاهر به اسلام بود - از شدت عمل منصرف شد. قرار بر آن شد که هرچه زودتر با تحویل اسلحه و ثروت، مدینه را تخلیه کنند و زیر نظر افسری به نام «عباده بن صامت» این کارها صورت گیرد. یهودان «قینقاع» به ناچار مدینه را به قصد «وادئ القرئ» و از آنجا به قصد «اذرعات» که از نواحی شامات است، ترک کردند.^۱ با اخراج آنها وحدت سیاسی به مدینه بازگشت.

۳. عدم مصونیت در ترویج باطل

در سیره نبوی هیچ کس در ترویج امور باطل از مصونیت برخوردار نبوده است. به تعبیر دیگر ترویج عقیده بدون قید و شرط نبوده است بلکه محدودیت‌های خاص خود را داشته است. در اواخر سال نهم هجرت، پیک وحی، آیاتی چند از سوره «توبه» را آورد و پیامبر را مأمور کرد که شخصی را روانه مکه کند تا در موسم حج، آیات یاد شده را همراه با قطعنامه چهار ماده‌ای بخواند. در این آیات، امان از مشرکان برداشته شده و کلیه پیمان‌ها (جز پیمان‌هایی که صاحبانشان به پیمان خود وفادار بوده و عملاً نقض نکرده بودند) نادیده گرفته شده است و به سران شرک و پیروانشان ابلاغ گردیده که در ظرف چهار ماه، تکلیف خود را با حکومت اسلامی - که اساس آن یکتاپرستی است - روشن سازند و اگر در ظرف این چهار ماه، شرک و بت‌پرستی را ترک نگویند، از آنها سلب مصونیت می‌شود. خاورشناسان، هرگاه به این نقطه از فصول تاریخ اسلام می‌رسند، لبه تیز حمله‌های خود را متوجه اسلام کرده و این برخورد قاطع را مخالف اصل «آزادی عقیده» می‌دانند، ولی اگر آنان، بدون هرگونه تعصبی تاریخ اسلام را می‌خوانند انگیزه این موضوع را که در خود این سوره و مشون تاریخی می‌یابند که در اینجا به پاره‌ای از آن انگیزه‌ها اشاره می‌شود.

الف) به هنگام نزول سوره توبه، بیش از بیست سال از بعثت پیامبر می‌گذشت و در این مدت، منطق نیرومند اسلام درباره جلوگیری از بت‌پرستی، به گوش مشرکان شبه جزیره رسیده بود و اگر تا

۱. الهاشمی البصری، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۹ - ۳۸؛ واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۷۹ - ۱۷۷.

آن روز گروه ناچیزی بر شرک و بت‌پرستی خود اصرار می‌ورزیدند، علتی جز تعصب و لجاج نداشت. از این رو، وقت آن رسیده بود که پیامبر اسلام از آخرین دارو، برای اصلاح اجتماع استفاده کند و با توسل به قدرت، تمام مظاهر بت‌پرستی را بکوبد و آن را نوعی تجاوز به حریم حقوق الهی و انسانیت بداند و بدین وسیله، ریشه پیدایش صدها عادت زشت در میان اجتماع را، نابود کند.

ب) از طرف دیگر، حج بزرگ‌ترین عبادات اسلامی و شعائر دینی است و تا روز نزول این سوره، کشمکش‌ها و نبردهای اسلام با سران شرک، اجازه نداده بود که پیامبر اعمال و مراسم حج را به‌طور صحیح و دور از هر نوع پیرایه، به مسلمانان تعلیم دهد. از این رو، لازم بود که پیامبر شخصاً در این کنگره عظیم اسلامی شرکت کند و عملاً این عبادت بزرگ را به مسلمانان تعلیم دهد، ولی پیامبر در صورتی می‌توانست در این مراسم شرکت کند که منطقه حرم خدا و اطراف آن، از تمام مشرکانی که مقام عبودیت و پرستش را به بت‌های سنگی و چوبی سپرده بودند، پاک شود و حرم الهی مخصوص خداپرستان گردد.

ج) مبارزه پیامبر ارتباطی با «آزادی عقیده» نداشت. عقیده چیزی نیست که بتوان به زور آن را ایجاد و یا نفی کرد.

بنابراین مسئله عقیده زور بردار نیست، بلکه مبارزه پیامبر در مبارزه با مظهر این عقیده که پرستش بت‌ها بود، خلاصه می‌شد. از این رو، بتکده‌ها را ویران و بت‌ها را شکست و انقلاب در عقیده‌ها و قلب‌ها را به مرور زمان واگذار نمود که خواه ناخواه چنین انقلابی را به دنبال داشت. در روز فتح مکه نیز حضرت علی رضی الله عنه اعلامیه را قرائت نمودند که براساس آن مردم مکه یا باید مسلمانان شوند و یا از مکه بیرون بروند.^۱

۴. عدم ترغیب مسلمانان برای شرکت نکردن در جهاد و مقابله با دشمن

شرکت کردن در جهاد و مقابله با دشمنان جزء وظایف آحاد مسلمانان بوده است و هیچ کسی حق مخالفت با آن و یا ترغیب دیگران برای عدم شرکت در جهاد را نداشت. در یکی از جنگ‌ها هشتاد و دو تن از مردان به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمده از حرکت به همراه او عذر خواستند، ولی پیامبر عذر هیچ یک را نپذیرفت. آنگاه گروهی از ایشان بی‌جهت در خانه‌هایشان باقی ماندند و خداوند درباره ایشان چنین نازل فرمود: «عذر آوران و بهانه‌تراشانی از اعراب آمدند تا به آنان اجازه داده شود، و کسانی که خدا و رسولش را دروغ شمردند در خانه نشستند. زود باشد کسانی از ایشان که کفر ورزیدند دچار عذابی دردناک شوند.»^۲

۱. الهاشمی البصری، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۹۷ به بعد.

۲. وَ جَاءَ الْمُعَذَّبُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَ قَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. (توبه (۹): ۹۰)

پیامبر ﷺ باخبر شد که گروهی از منافقان در خانه یکی از یهود گرد آمده مردم را از شرکت در سپاه بر حذر می‌دارند و از جنگ با روم می‌ترسانند. پیامبر از ترس آنکه مبدا خطر این تبلیغات بالا گیرد و پرهیز از جهاد به دیگر مردم سرایت کند با ایشان مدارا نکرد و طلحة بن عبیدالله را به همراه تنی چند از صحابه به سراغ ایشان فرستاد. آنان خانه را به آتش کشیدند، یکی از ایشان از بام گریخت و پایش شکست. دیگران نیز از میان آتش بیرون دویدند و نجات یافتند. این رفتار برای دیگران مایه عبرت شد و پس از آن دیگر کسی نمی‌توانست آشکارا به چنین کارهایی دست بزند. این برخورد سخت، اثر خوبی در خوار کردن منافقان داشت.^۱

نتیجه

در دوران حکومت پیامبر اسلام ﷺ چند نوع مخالف وجود داشت اولین گروهی که به مخالفت و دشمنی با دولت نوپای مدینه اقدام کردند، سران مشرک قریش بودند. دومین گروه از مخالفان دولت نبوی یهودیان بودند گروه سوم از مخالفان دولت پیامبر، منافقان بودند گروه چهارم کسانی بودند که می‌توان از آنها به‌عنوان مستضعفان و افراد نا آگاه یاد کرد. گروه پنجم از مخالفان و منتقدان دولت نبوی را برخی از حاکمان منطقه و رؤسای قبایل تشکیل می‌دادند.

پیامبر اسلام برای همه آنها حقوقی قائل بودند و در عین حال حقوق آنها بدون قید و شرط نبوده و حدودی را در کنار حقوق برای آنها در نظر گرفته بودند. به‌طور کلی پیامبر با همه مخالفان تا زمانی که به دشمنی و توطئه دست نزده بودند با رحمت برخورد می‌کردند اما هر زمان توطئه آنها آشکار می‌شد مجال فعالیت به آنها داده نمی‌شد و به مقابله با آنها اقدام می‌کردند. در حکومت نبوی حقوقی برای مخالفان منظور و از سویی حدود و چارچوبی برای آن در نظر گرفته می‌شد. نه آزادی مطلق داشتند و نه کاملاً محصور بودند.

مخالفان در حکومت پیامبر دارای حقوقی مانند: امنیت، آزادی بیان، حق آزادی عقیده، امکان توبه و بازگشت و مصالحه، برخورداری از عدالت و قضاوت عادلانه، امکان هدایت و حق کرامت انسانی بودند. البته برای این حقوق حدودی وجود دارد که عمده ترین آنها: عدم توطئه، عدم برهم زدن وحدت سیاسی، عدم دلسرد کردن مسلمانان از جهاد و مقابله با دشمن و عدم مصونیت برای ترویج باطل بود.

در شیوه حکومت داری اسلامی در هر عصری باید همین حدود و حقوق برای مخالفان ملاحظه و به آنها به‌عنوان یک چارچوب و قانون کلی و فراگیر نگریسته شود.

۱. قسام، سیره المصطفی، ص ۳۳۶.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۶، ۱۳۸۷.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، محقق محمدنعیم عرقسوسی، بیروت، مؤسسة الرسالة، چ ۱، بی تا.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد بن خلدون، دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دار الفکر، ط الثانية، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م.
۵. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر الدمشقی، بدائع الفوائد، بیروت، دارالعلیمه، ۱۹۹۴ م.
۶. ابن هشام، السیرة النبویه، تعلیقات عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۹ ق.
۷. ابن هشام، عبدالملک بن هشام الحمیری المعافری، السیرة النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دار المعرفة، بی تا.
۸. ابوزهره، محمد بن احمد، خاتم پیامبران ﷺ، ترجمه حسین صابری، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چ ۳، ۱۳۸۰.
۹. ابویعلی، احمد بن علی، مسند أبی یعلی الموصلی، محقق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت دارالکتب العلمیه، چ ۱، ۱۴۱۷ ق.
۱۰. پابنده، ابوالقاسم، پیام رسول، ترجمه نهج الفصاحه، قم، طلوع مهر، چ ۱، ۱۳۸۵.
۱۱. ترقی جاه، حمید، ترجمه سیرة المصطفی، تهران، حکمت، چ ۱، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. حسینی، محمدبهاءالدین، باده ناب، سنندج، کردستان، چ ۱، ۱۳۸۲.
۱۳. خطاب، محمود شیت، شیوه فرماندهی پیامبر، ترجمه عبدالحسین بینش، تهران مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه، ۱۳۷۸.
۱۴. الدمشقی، اسماعیل بن کثیر، البدایة و النهایة، تحقیق مکتب التراث، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۵. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، تجزیه و تحلیل کامل زندگی پیامبر اکرم ﷺ، بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۱۶. _____، منشور جاوید، قم، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت ﷺ، بی تا.
۱۷. سپهری، محمد، سیرت جاودانه، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱، ۱۳۸۴.

۱۸. الطبری، ابو جعفر محمد بن جریر، *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ط الثانية، ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م.
۱۹. قراگزلو ذکاوٹی، علیرضا، *نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام*، قم، نشر سمت، ج ۱، ۱۳۸۴.
۲۰. قسام، عبدالزهره، *سيرة المصطفى*، ترجمه حسن علی، بیروت مؤسسه الأعلمی، ۱۴۲۹ ق.
۲۱. کلینی، الکافی، ۸ ج، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۵.
۲۲. مجلسی، بحار الأنوار، بیروت - لبنان، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق هجری قمر.
۲۳. مناوی، محمد عبدالرؤوف بن تاج العارفين، *الدرر اللوامع فی زوائد الجامع الازهر علی جمع الجوامع فی الحدیث النبوی*، صنعة احمد عبدالجواد، بیروت، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م.
۲۴. میرشریفی، سید علی، *پیام آوران رحمت*، تهران، انتشارات سمت، ج ۱، ۱۳۸۵.
۲۵. هاشمی البصری، محمد بن سعد بن منیع، *الطبقات الكبرى*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، ط الأولى، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م.
۲۶. واقدی، محمد بن عمرة، *کتاب المغازی*، محقق مارسدن جونس، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ ق.
۲۷. _____، *المغازی*، ترجمه مهدوی دامغانی، محمود، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
۲۸. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح الکاتب العباسی المعروف بالیعقوبی، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت، دارصادر، بی تا.